هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

سرمقاله

دومین انتخابات ریاست جمهوری و ضرورت انتخاب درست
ص۲

توأمیت مفاهیم عرفانی با مفهوم بهار
ص۴

دور ششم – سال هشتم – شمارهٔ سوم ۲۲ حمل ۱۳۸۸– ۱۵– ربیع الثانی ۱۴۳۰ – 11- April 2009



استاد برهان الدین ربانی در دیدار با جمعی از مردمان هلمند و قندهار و بدخشان بر هوشیاری و حفظ وحدت مجاهدین در انتخابات ریاست جمهوری تأکید کردند

استاد شام جمعه ۱۴حمل شماری از بزرگان و مجاهدان و فرماندهان ولایت های هلمند و قندهار را به مناسبت اتحاف دعا به روح شهید داد محمد خان دعوت کرده بودند، داد محمد خان نمایندهٔ مردم هلمند در ولسی جرگه و یکی از فرماندهان نامدار جمعیت اسلامی افغانستان در دوران جهاد دراین ولایت بود. داد محمد خان نزدیک به یک ماه پیش توسط افرادی نامعلوم در ولایت هلمند به شهادت رسید. در سال گذشته تعداد بیش از چهل نفر از اعضای خانواده و بستگان او را طالبان به شهادت رسانیده بودند.

استاد در بارهٔ شخصیت شهید داد محمد خان و کارنامه های فداکارانه اش در دوران جهاد سخن گفتند و شهادت او را یک ضایعهٔ بزرگ در شرایط کنونی خواندند.

استاد در این همایش دربارهٔ مسائل مهم کشور مانند وحدت ملی و نقش مجاهدین در تأمین امنیت و ثبات و نقش آنان در انتخابات آیندهٔ ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی سخن گفتند و مجاهدین را به توجه و هوشیاری دربارهٔ این مسائل فراخواندند. و گفتند که مجاهدین باید سعی کنند در انتخابات آیندهٔ ریاست جمهوری متفقاً از ادامه در ص۲

دحکمتیار راتګ

نیکمرغي یا بد مرغی؟



دا لاخرګنده نه ده چې دحکمتیار اړیکی له بهرنیانو سره او که دکرزی له حکومت سره د روغی جوړې په حدکی ده او یا داچی په حکومت کې دبرخه اخستلو په موخه؟ ۳مخ

بازی با ارادهٔ مردم و استفادهٔ ابزاری از دین درانتخابات

ص۵

جماعت اسلامی پاکستان و یک انتخاب دیگر

ص۳

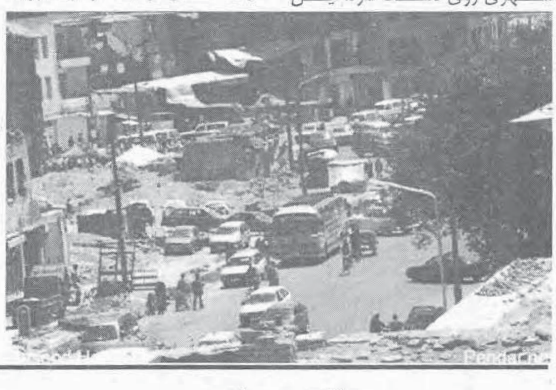
افغانستان در صدر اجندای ۶۰ مین نشست سران پیمان ناتو قرار داشت

ص۲

وضعیت ناگوار ترانسپورت درشهر کابل

هابیل

وزارت ترانسپورت اعلان نموده است، تلاش های را برای بهبود وضعیت خدمات ترانسپورت شهری روی دست دارد. این وزارت گفته است کمیسیونی با همکاری شهرداری کابل و ریاست ترافیک تشکیل نموده تا راه حلی برای مشکل ترافیک و ترانسپورت درکابل پیشنهاد نماید.



وضعیت ترانسپورت وترافیک در شهر کابل بسیاروخیم است. درحقیقت عدم توجه دولت برای حل این مشکل اساسی شهروندان کابل را می توان، یکی از ضعف های مهم دولت حساب کرد، با وجود سرازیرشدن ملیاردها دالر کمک جامعه جهانی وضعیت ترانسپورت وترافیک درشهرکابل روز تا روز بد تر شده است.

جاده های شهر در حالت بدی قرار دارند، هفت سال است که سرک میدان هوایی الی هوتل انترکانتیننتال درحالت ساخت است ادامه درص۷

شهروندان افغانستان؛ از زندگی در فاضلاب تا مرگ در کانتینر

سفر از راه قاچاق و غیر قانونی آسان ترین گزینه فرا راه کسانی است که می خواهند به کشورهای همسایه نظیر ایران، روسیه و یا کشورهای اروپایی راه پیدا کنند. ص۵

نږدې دوه میاشتې د مخه په ګاونډي هېواد پاکستان کې د صوبه سرحد د ایالتي حکومت لخوا د سوات د سیمې له طالبانو سره داورېندیو تړون لاسلیک شوی ؤ، د تړون له مخې د سوات، ملاکنډ او کوهستان په سیمو کې د شرعي محاکمو د جوړولو وعده حکومت ورکړې وه او هم د طالبانو له لورې دا وعده شوې وه چې وسله به پرځمکه ږدي او د حکومت مخالف بغاوت به پرېږدي چې هغه مهال هم دغې تړون ته د پاکستان د ننه



پاکستان بیا د نا امنۍ او طالبانو تر ګوابښ لاندې

شفیق

د سیاسي کړیو لخوا د شک په نظر له کتلو سربېره، په افغانستان کې هم سیاسي کړیو او دولت یې په اړه بېلابېل نظرونه لرل.

دغې تړون به هغه وخت قانوني بڼه پیدا کوله چې د دغه هېواد د ولسمشر آصف علي زرداري لخوا توشیح شوی ړای، خو د تړون په هکله د سیمې او نړیوال غبرګون په نتیجه کې آصف علی زرداري پاتې پر۶مخ

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس: کابل، عقب سینما بهارستان، کوچهٔ قصابی، دست چپ، کوچهٔ چهارم
شمارهٔ تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹ و ۰۷۰۸۸۲۷۸۹۰
Website: www.mujahedweekly.com
E-mail: Mujahid1357@Yahoo. com

سرمقاله

دومین انتخابات ریاست جمهوری و ضرورت انتخاب درست

اکنون در آستانهٔ دومین انتخابات ریاست جمهوری قرار گرفته ایم، این انتخابات برای پی ریزی یک آینده بهتر برای مردم افغانستان اهمیت فراوان دارد. ما اکنون از حوادث گذشته مخصوصا جریان هفت سال پسین درس های پیش رو داریم. سال های که شکست ها،سرخوردن ها و اشتباهات، بر دست آوردهای آن سنگینی می کند.

آنچه که در جریان تجارب گذشته جلب توجه می کند این است که در زمینهٔ تعیین هدف های اساسی ملی اشکالی در میان نیست. عدالت اجتماعی، مردم سالاری، دین پروری، برادری، برابری شهروندی، حاکمیت قانون وامنیت و رفاه، هدف های بوه است که اکثر گروه ها به دنبال آن بوده اند، اما در رسیدن به این هدف ها و ترسیم یک نقشه درست راه و درجهت استفاده از امکانات و زمینه ها توفیقی دیده نمی شود.

در گذشته راه کارسنتی رسیدن به این هدف ها، درمیان شمار فراوانی از سیاست مداران وگروه ها، دست یابی به کرسی های مهم و هر چه بیشترحکومت بوده است. شاید شماری صادقانه می خواستند با استفاده از امکانات دولت خدمتی برای مردم انجام دهند، اما ثابت شد که این راهکارسرابی بیش نیست، برخی از این افرادو گروه ها، نه تنها این که فرصتی نیافتند برای کسی خدمتی کنند، بلکه نتوانستند خود را در آن کرسی ها پا برجا نگهدارند.

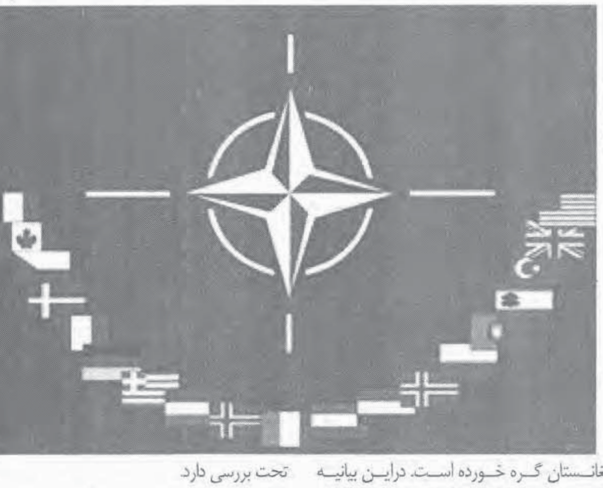
شمار دیگرهم به دنبال اشخاص رفتند، آن ها گمان کردند، شریک قابل اطمینان یافته اند که خواهند توانست درپهلوی او به آرمان شهرخویش برسند، اما بزودی دریافتند با کسی همراه شده اند که درفکر منافع شخص و خویش و قبیله است نه در فکر مصالح کلان ملی.

در هر دو راهکارمتاسفانه، به اهمیت ساختار نظام توجه نشده بود، اکنون وقت آن است که تمام سیاستمداران وگروه های که درفکر تحقق هدف ها و مصلحت های کلان ملی هستند، به جای کسب امتیاز از نوع مقام وکرسی وزارت، در فکر اصلاح ساختار نظام باشند. ساختار نظام به مثابه نرم افزار اقتدار و حاکمیت می تواند تمام ارگان ها را چونان پرزه های یک ماشین به سمت وسوی خاصی روبراه نماید وهدف های تعیین شدهٔ را بر آورده سازد.

تجارب سال های گذشته به اثبات رسانده است که بدون توجه به ساختار نظام وبدون توجه به مصالح کلان ملی، رفتن به دنبال افراد ویا گروه ها نتیجه آور نبوده پیشمانی به دنبال دارد.

رسیدن به چنین هوشیاری می توانذبسیاری از نابسامانی ها را برطرف سازد، شاید با چنین راهکاری هدف های شخصی تحقق پیدانکند، اما مطمئنا آن هدف های کلان ملی که یاد آوری شد شانس تحقق خواهند یافت، در چنین شرایطی وقتی مردم به خوشبختی برسند، سیاستمداران نیز از آن خوشبختی بهره خواهند برد.

افغانستان در صدر اجندای ۶۰ مین نشست سران پیمان ناتو قرار داشت



احمدمهدی

سازمان ناتو ۶۰ سال پیش، پس از جنگ جهانی دوم، به هدف دفاع از اروپا وکشورهای عضو در برابر پیمان وارسا بود که در رأس آن اتحاد شوروی قرار داشت، تأسیس گردید.

این پیمان پس از فروپاشی اتحادشوروی و پیمان وارسا، همچنان به فعالیت ادامه داد واهداف وراهبردهای جدیدی برای خویش تعیین کرد. آخرین استراتیژی ناتو در سال ۱۹۹۹ تصویب شد که به نظر بسیاری از اعضای این سازمان، اکنون نمی تواند نیاز های امنیتی کشورهای عضو را بر آورده سازد و باید موردبازنگری قرار گیرد.

درنشست ستراسبورگ - کیلی، بازنگری دراستراتژی ناتو مورد توافق قرار گرفت. دراین نشست توافق شد که همکاری با روسیه توسعه یابد.

طبق روال همه ساله، امسال نیز گروه های مخالف ناتو دست به تظاهرات گستردهٔ در شهرهای ستراسبورگ فرانسه وکیلی آلمان، محل برگزاری این نشست زدند که از سوی پولیس ضد شورش آلمان وفرانسه مهارشد.

گفته می شود، دولتهای آلمان و فرانسه بیش از ۲۵ هزار پولیس را جهت تامین امنیت نشست به کار گرفتند.

در حال حاضر عمده ترین چالش ناتو جنگ افغانستان است، ناتو برای نخستین بار اقدام به اعزام نیرو وماموریت نظامی درخارج ازقلمرو کشورهای عضو ناتو نموده است. همه اعضای ناتو می پذیرند که آیندهٔ این پیمان به سرنوشت جنگ درافغانستان گره خورده است. درجلسهٔ اخیر سران ناتو، موضوع افغانستان درصدرآجندای جلسه قرار داشت.

دربیانیه پایانی این نشست به صراحت تذکررفته است که امنیت کشورهای عضو ناتو به صورت جدی به امنیت وثبات افغانستان گره خورده است. دراین بیانیه تصریح شده است که حضورنیروهای خارجی در افغانستان درازمدت بوده تا حصول اهداف تعیین شده ادامه خواهد یافت.

باراک اوباما رئیس جمهور امریکا، ازکشورهای عضوناتو تقاضاکرد تا مسؤولیت بیشتری در جنگ با افغانستان به عهده بگیرند، اگرچه امریکا عمده ترین تامین کنندهٔ نیرو درافغانستان است، اما دراین جلسه ۲۸ کشور عضو پذیرفتند که که حدود ۵۰۰۰ هزار نیرو به افغانستان اعزام

در حال حاضر عمده ترین چالش ناتو جنگ افغانستان است، ناتو برای نخستین بار اقدام به اعزام نیرو وماموریت نظامی درخارج ازقلمرو کشورهای عضو ناتو نموده است. همه اعضای ناتو می پذیرند که آیندهٔ این پیمان به سرنوشت جنگ درافغانستان گره خورده است. درجلسهٔ اخیر سران ناتو، موضوع افغانستان درصدرآجندای جلسه قرار داشت.

نمایند. شماری از این نیروها به منظور آموزش نیروهای مسلح افغانستان اعزام خواهند شد. همچنان کشورهای عضو تعهد کردند ۶۰۰ میلیون دالر را برای تهیه هزینه آموزش سربازان اردو و پولیس افغانستان اختصاص خواهند داد.

امریکا عمده ترین تامین کننده نیرو درافغانستان، به زودی ۲۱ هزار سرباز دیگر را مستقر خواهد ساخت، با ورود این نیروها شمار سربازان خارجی درافغانستان به بیش از ۹۰ هزار خواهد رسید. امریکا گفته است امکان اعزام ۱۰ هزار عسکر دیگر را نیز تحت بررسی دارد.

تقویت وافزایش نیروهای خارجی و درپهلوی آن افزایش شمار سربازان اردوی ملی افغانستان وماموران پولیس، عمده ترین نکات استراتیژی امریکا می باشد که چندی پیش اعلان گردید.

صاحب نظران تکیه اصلی امریکا وناتو به جنگ درافغانستان را مورد انتقاد قرار داده اند، از دید آن ها بدون توجه به بازسازی و بهبودی وضعیت اقتصادی افغانستان، شکست مخالفان مسنح دولت از طریق نظامی ناممکن است.

موضوع دیگر نشست سران ناتو، تعیین دبیرکل جدید بود، آندره فوگ راسمون نخست وزیر دنمارک برای پست دبیرکل جدید انتخاب گردید. در آغاز جلسه، ترکیه یگانه عضو مسلمان این پیمان با این انتخاب مخالفت کرد، اما درنتیجه مذاکرات و گرفتن امتیازاتی موافقتش را ابرازنمود.

ترکیه به دلیل نشرکاریکاتورهای توهین آمیز پیامبر اسلام صلی الله علیه وسلم در رسانه های دنمارک وحمایت اندره فوگ از نشر کارتون ها با انتخاب وی مخالفت کرد.

بسیاری ها انتخاب نخست وزیردنمارک به عنوان دبیرکل ناتو را باسیاست جدید امریکا و غرب که درصدد عادی سازی روابط خویش با مسلمانان هستند، هماهنگ نمی دانند. اکنون بدبینی فراوانی در کشورهای اسلامی مخصوصا کشورهای عربی در برابر دنمارک و دبیرکل جدید ناتووجود دارد.

با آنکه دبیرکل جدید ناتو قول داده است که دیگر آن حادثه تکرار نخواهد شد، اما دشوار است که مسلمانان اقدام تحریک آمیز و توهین آمیزرسانه های دنمارکی و اروپایی برای توهین پیامبر اسلام را به زودی

استاد برهان الدین ربانی در دیدار با جمعی از مردمان ...

کاندیدایی مجاهد حمایت کنند. در این جمع شماری از بزرگان ولایت های هلمند و قندهار مانند حاجی معلم عضو ولسی جرگه و خان محمد خان یکی از فرماندهان مشهور قندهار و حاجی عبدالهادی بابا کرزی و حاجی عبدالخالق و... حضور داشتند.

حاضران در این همایش به استاد وعده دادند که آنان از کاندیدای مورد نظر ایشان حمایت خواهند کرد.

همچنان استاد برهان الدین ربانی به تاریخ ۱۸ حمل سال روان در یک همایش بدخشانیان مقیم کابل که در دفتر مرکزی سازمان جوانان جمعیت اسلامی افغانستان درکابل برگزار شد شرکت کرد.

استاد دراین همایش خطاب به شرکت کنندگان گفتند شما وارث افتخارات شکوهمند، مجاهدان نامداری هستید که در سرزمین بدخشان سر برافراشتند و از کشور دربرابر متجاوزان دفاع کردند.

استاد از مردم بدخشان تقاضا کرد تا در پهلوی سایر هموطنان خویش، دست به دست هم دهند و دربرابر قضایای حیاتی کشور جبهه مشترک وواحدی انتخاب کنند.

استاد تاکید کرد که یکپارچگی و شرکت فعال آن ها در قضایای ملی می تواند مؤثریت آن ها را در عرصه سیاسی کشور تثبیت کند.

استاد ازمردم بدخشان مطالبه کرد تا در انتخابات آینده سهم فعال بگیرند و با هوشیاری از کاندیدایی که مورد پذیرش جمعیت باشد و به مصالح و ارزش های عدالت خواهانهٔ ملی و به برادری و برابری همه شهروندان پایبند باشد، حمایت نمایند.

استاد با اشاره به تشکیل جبهه ملی و عضویت جمعیت درآن جبهه یاد آور شد که چنین اقدامی به نفع مصالح کشور بود، چون شرایط کشور ایجاب می کرد که وحدت ملی تامین شود واتهاماتی که علیه مجاهدین عنوان می شد که گویا، مجاهدین انحصارگرا هستند وبرای دیگران حق قایل نیستند، بی اساس ثابت گردد.

استاد گفتند درشرایط کنونی، کشور با مشکلات و چالش های بزرگی روبروست، که ایجاب می کند، حکومت آیندهٔ افغانستان به منظور مقابله با این چالش ها از حمایت گستردهٔ مردم افغانستان برخوردار باشد، بنابراین جمعیت اسلامی افغانستان وجبهه ملی به دنبال این است که با رایزنی با دیگرگروه های سیاسی، ملی یک جبهه وسیع را ایجاد کند ودرانتخابات آیند با قوت شرکت نماید.

دحکمتیار راتگ

نیکمرغی یا بد مرغی؟

ن. څپاند

په دي ورځو کی داسې اوریدل کیږي چې ګواکی حکمتیار غواړی افغانستان ته راستون شی او په دي لړ کی د امریکائیانو او انګریزانو سره خبری کړي دي.

دحکمتیار استازی په امریکا کي دافغانستان او پاکستان لپاره د ولسمشر اوباما دځانګړی استازي له مرستیال سره خبري کړی او دحکمتیار پلاوی په لندن کی په خبرو بوخت دی...

دا لاڅرګنده نه ده چې د حکمتیار اړیکی له بهرنیانو سره او که د کرزی له حکومت سره د روغی جوړي په حدکی ده او یا داچی په حکومت کې دبرخه اخستلو په موخه؟

ځیني دا وايي چې حکمتیار سره اوس هغه پخواني قوت او ځواک نشته او په دي توګه افغان حکومت او بهرنیانوته یوه وسله وال غلیم او یا ګواښ نشي کیدای. که څه هم په خلکو او په ځانګړی توګه په ځوانانو کې څه ناڅه ملګري لری.

حکمتیار شاید دي پایلي ته رسیدلاي وي چې یواځي او یواځي په سیاسي دګر کې کار کولاي شي نو بهتره به داوي چی له روان بهیر سر ورګډ شي اوله دي لیاري نه واک ته د رسیدلو هلي ځلي وکړي.

حکمتیار هیڅ کله له موجوده نظام او یا بهیرنیانو سره په ربښتیانی ټکر کې نه و او داهم سمه نه ده چې هغه یو سخت دریځ، بنسټ پال او انعطاف نه منونکی دیٔ.

دهغه تیر سیاسي ژوند د دي ښکارندوي دي چې هرکله او داړیتا په صورت کی له غلیمانو سره روغه جوړه کړي او په ټلوالیٔ شامل شوی دهٔ:

حکمتیار او دهغه ګوند له شورویانو سره دجهاد په کلونو کې خبري کړي او هم دکابل د رژیم له استازوسره په بغداد کی خبري اتري کړي وي. همدارنګه د شهنواز تني له کودتا سره پیوستون او دبیا دهغوی کوربه توب په پاکستان کی د پاکستان کی حکومت ترڅنګ او دجهاد له بري نه وروسته ملیشو سره ډغربی او بیا له هغوي سره په یوه ټلواله کی ګډیدل د اسلامي انقلاب د هم غړي دشورا په نامه او بیا د مجاهدینو په ائتلافي حکومت کي ګډون او د لمړي وزیر څوکي نیول په داسي حال کي چه د مجاهدینو دائتلافي حکومت ته د مجاهدینو او دکمونستانوائتلافي حکومت ویل - او بیاله طالبانو سره جنګ او وورسته له هغوي نه ملاتړاو...



نو اوس چي دحکمتیار نوی- په واقعیت کي زړه- دیپلوماسي فعاله شوي ده او کرزي ته کیک له استولونه

ډیر وخت لانه دي تیراو بهرنیانو سره اړیکي ورځ په ورځ زیاتیږي او دهغه د راتګ احتمال دیریږي نو داخبرڅنګه ارزول کیږي؟ دادنیکمرغی خبرده یا بدمرغی؟

له موقتي اداري نه راهیسي په ټولو حکومتونو کې د اسلامي ګوند ځیني غړي برخه درلودل او اوس هم لري یې. په کابینه کې همدارنګه ډیر والیان، ولسوالان، د ملي شورا غړي او ... د اسلامي ګوند غړیتوب لري او په تیروخت او یا اوس هم له حکمت یار سره اړیکي لري.

هغه حزبیان چې په حکومت کي دي یا په ملي شورا کي او یا هم په افغانستان کي اوسیږي، دوي هیڅ کله د حکمتیار د کړنو پرخلاف څه نه دي ویلي او نیوکي نه دي کړي! دا په داسي حال کی چي حکمتیار پر له پښي د دولت او بهرنیانو پرخلاف ډیري سختي خبري کړي او کوي یي.

نو اوس چي دحکمتیار نوی- په واقعیت کي زړه- دیپلوماسي فعاله شوي ده او کرزي ته کیک له استولونه ډیر وخت لاته دي تیراو بهرنیانو سره اړیکي ورځ په ورځ زیاتیږي او دهغه د راتګ احتمال دیریږي نو داخبرڅنګه ارزول کیږي؟ دادنیکمرغی خبرده یا بدمرغی؟

نیکمرغی:

۱- اسلامي ګوند یو لوي قوت او ځواک دي په ویاړ من جهاد کي دودي ګوند له پراخي او هراړخیزي دونډي نه هیڅ څوک نشي سترګي پټولاي، همدارنګه د حکمتیار شخصیت، قاطعیت او مدیریت هم دیا دولو وړده.

۲- دپیاوړي او پراخ بنسته حکومت په جوړیښت کي د اسلامي ګوند غړیتوب ډیر ارزښت لري.

۳- د دنیا د اسلامي غورځنګونو لپاره د ډاد او اطمینان خبروي.

۴- د ګاونډیانو لپاره به ښه خبرنه وي او هغوي نشي کولاي چی له موجوده دښمني او واټن نه ګټه پورته کړي.

۵- په دننه افغانستان کي اسلام پال قوتونه سره یو موټي او پیاوړي شي.

بدمرغي:

۶- اسلامي ګوند هغه پخواني نوم، شهرت او ځواک نلري

۷- د جهاد په اوږدوکي او په تیره بیا دجهاد دبري نه وروسته بي ځایه او بي مورده جنګونه د اسلامي ګوند او هغه د مشر حیثیت او اعتبار ته صدمه رسولي.

۸- د حکمتیار په تګلاره کي رغنده بدلول نه لیدل کیږي.

۹- دهغه له راتګ سره خپل منځي سیالی او منفي رقابتونه زیاتیږي

۱۰- د مجاهدینو له اسلامي دولت سره د حکمتیار پیوستون د دولت دړنګیدو لامل وګرځید. اوس هم کیداي شي چي د موجوده نظام دړنګیدو لامل وګرځي.

جماعت اسلامی پاکستان و یک انتخاب دیگر

محمدنسیم فقیری

به روز پنجم اپریل ۲۰۰۹ سید منور حسین به حیث چهارمین امیر جماعت اسلامی پاکستان سوگند وفاداری یاد کرد.

جماعت اسلامی در ۲۶ اگست ۱۹۴۱ میلادی در شبه قارهٔ هند- قبل از تشکیل پاکستان- تاسیس شد و مولانا مودودی درنخستین جلسهٔ رسمی این حزب به رهبری برگزیده شد. مولانا مودودی طی بیانیه یی در همان روز گفت که دو موضوع مهم را باید به همه اعضا بگویم وآن دو این است:

۱- ماجماعت اسلامی هستیم یعنی جماعتی از جماعات مسلمانان و هرگز به این معنی نیست که فقط ما مسلمان و حزب ما یگانه حزب اسلامی است و دیگران را خارج از دین بدانیم. جماعت اسلامی در زمان پیامبر یک جماعت بود و خارج از آن جماعت کسی مسلمان نبود و همه مسلمانان در داخل آن جماعت بودند، ولی امروز مسلمانان پراگنده اند ودر تشکل های مختلف تنظیم شده اند یا بیرون از تشکل ها بسر می برند، پس نمی توانیم فقط خود را مسلمان وحزب خود را یگانه حزب اسلامی بدانیم...

همچنین در مسایل فقهی نظر به مطالعهٔ دقیق و عمیق و دریافت های فکری و علمی خویش پابند کدام مذهب خاص فقهی نمی باشم و این نظر شخص من است و لازم نیست تا همه اعضای جماعت اسلامی چنین فکری داشته باشند و در انتخاب مذاهب آزادند...

مولانا مودودی تا سال ۱۹۷۲ جماعت اسلامی را رهبری کرد و در این سال مستعفی شد و میا طفیل احمد به حیث امیر جماعت انتخاب گردید. او تا سال ۱۹۸۷ امیر بود و دراین سال قاضی حسین احمد به حیث امیر برگزیده شد و به صورت پیهم در انتخابات ها به حیث امیر انتخاب می گردید و امسال از شورای مرکزی خواست تا نام او را در جمع کاندیداها شامل نسازند و به دلایل صحی معذرت خواست.

در انتخابات حزبی امسال بیش از ۲۳۰۰۰ رکن جماعت به کاندیداها رأی دادند. جالب است که آقایان سیدمنورحسین، لیاقت بلوچ وسراج الحق کاندیداهایی بودند که مجلس شورای جماعت پیشنهاد کرده بود و این کاندیدا همه در گذشته رهبری "اسلامی جمعیت طلبه" یعنی بخش محصلین جماعت را به عهده داشته اند.

سید منورحسن در این انتخابات با اکثریت زیاد به حیث امیر جماعت اسلامی پاکستان برگزیده شد.

منورحسن در سال ۱۹۶۰ میلادی به عضویت جماعت اسلامی در آمد وقبل بر آن عضوسازمان محصلین ناسیونالیست بود.

او قبل از انتخاب به حیث امیر، سکترجنرال جماعت اسلامی بود و با انتخاب او، این پست خالی شد و قرار است که فرد دیگری را به مجلس شورا پیشنهاد نماید.

با انتخاب سید منورحسن، دورهٔ طویل ۲۲ سالهٔ امارت قاضی حسین احمد به پایان رسید؛ دوره یی که برای مجاهدین افغانستان وبخصوص جمعیت اسلامی خوش آیند نبود و جانبداری های نا بجا و بی مورد او از یک گروه و بعد از طالبان خاطرات تلخ ما از دورهٔ امارت او در یک حزب اسلامی همفکر با ماست.

توأمیت مفاهیم عرفانی با مفهوم بهار

عبدالقیوم ملکزاد

توجه نگاه های عرفانی نسبت به بهار را، می توان از سدهٔ هفتم به بعد نمودار یافت.

شعرا باالگوپذیری از عرفان اسلامی براثر جنبه و سلوک راه هایی را برای ارتباط معنوی ونزدیک شدن به خدا، طی می کنند و با نگاه به طبیعت مضامین عرفانی بهار را، در بهترین شکل در اشعار شان انعکاس داده و می دهند و برخی از آنها هم«با برداشت اسطوره یی از بهار طبیعت به انسان رسیده اند.»



چنین خصوصیت در بهاریه های سنایی غزنوی با وضاحت بیشتری متبلوراست. روح عرفانی در بهاریه های سخنورانی نظیر آن عارف نامدار، «در جنب و جوش بودن کائنات است».

در پاره یی از سرودهٔ خداوند گار می خوانیم:

یقین آنجاست آن جانان، امیرچشمهٔ حیوان
که باغ مرده شد زنده و جان بخشیدن او تاند
چواندر گلستان آید، گل و گلبن سجود آرد
چو در شکرستان آید، قصب بر قند پیچاند
درختان همچو یعقوبان، بدیده یوسف خود را
که هر مهجور را آخر ز هجران صبر برهاند

چنانچه می بینیم، مفهوم ابیات بالا با الهام از ارشاد الهی و آموزه های قرآنی سروده شده و زنده شدن بعد از مرگ را در ذهن تداعی می کند.

"بهار" چنانچه قلمدار نامدار ایرانی، خانم«فاطمه راکعی» معتقد است:

«ز نظر همه شاعران تجلی دوبارهٔ خداوند است»

به همین نحو« بهار» از دیدگاه مولانای بزرگوار (جلال الدین محمد بلخی):" لبیک گفتن به ندای حق در برپا کردن شادمانیهاست."

شیخ همام سعدی علیه الرحمه نیز در قالب ستایش بهار، انسان را وا میدارد تا به تفکر رو آورد و بدینوسیله به شناسایی بیشتر وبهتر باری تعالی دست یابد:

برگ درختان سبز در نظر هوشیار
هرورقش دفتری است معرفت کردگار

این شاعر نامدار گاه« با آمیختن مفاهیم عقلانی با وصف طبیعت به گونه یی بهار را می ستاید و از زوایای درونی ذهن وهمچنان چشم انداز های بیرونی جهان را می نمایاند»:

«درخت غنچه بر آورد و بلبلان مستند
جهان جوان شد ویاران به عیش بنشستند»

مفهوم عرفانی بهار در یکی از قصاید حضرت سعدی(رح) بدین نحو تبلور یافته است:

بامدادی که تفاوت نکند لیل ونهار
خوش بود دامن صحرا وتماشای بهار
صوفی از صومعه گو خیمه بزن برگلزار
که نه وقت است که در خانه بخفتی بیکار
آفرینش همه تنبیه خداوند دل است
دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار!

سعدی "رحمت الله علیه" در واقع می گوید:

« استخراج و استنتاج معنوی برای شناخت خدا از طریق توجه به نعمت ها وآثار وجودی و قدرت الهی میسر است.»

مفهوم تحویل سال و ایجاد دگرگونی در طبیعت، علاوه از سروده های حضرت مولانا درشعر بسیاری از شعرای متقدم نظیر: عطار، حافظ و ... نیز به صورت عرفانی به کار رفته و به قول «کرازی»: زیبایی و شکوه بی مانند جهان در فصل بهار، انگیزهٔ نیرو مند شده که [آنها] با دیدن این زیبایی ها، حقیقت دلنواز آفرینش را به یاد بیاورند و از زیبایی آفریده ها، به زیبایی پروردگار برسند.

مولانا در سرودهء دیگری می فرماید:

اپاک نعبد است زمستان شعار باغ
اپاک نستعین همه گویند در بهار

وخواجهٔ شیر از (حافظ) در اشاره با حیات مجدد طبیعت میفرماید:

نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد
عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد

و بااین توضیح اضافه باید کرد:

« همان طوری که طبیعت در بهار به جانب روشنایی و در جهت نقطهٔ اعتدال حرکت می کند، شاعران نیز معتقدند، چنانچه دل آدمی به سمت خورشید معنی حرکت کند، شکوفا خواهد شد.»

مولانا عبدالرحمن جامی رح می فرماید:

«هر جا که جلوه یی از زیبایی های طبیعت را می بینید، همه این زیبایی ها در واقع نشانی از وجود پروردگار و خالق این زیبایی هاست و هر کس این زیبایی ها را تحسین کند، در واقع خالق آن را ستوده است.»

تجلیل از بهار

یکی از نماد های شکوهمند و پویایی



بهار نماد تحول و سازندگی و حرکت و پویایی است و خواستار خانه تکانی دلها، دلی که به قول حضرت سعدی:"... خانهٔ مهر یار است و بس ودر آن نگنجد کینه کس"

تجلیل از بهار از زمرهٔ آیین هایی است که معنویت از آن پدیدار است و به عباره دیگر: بهار آیینه دار جلوهٔ ارزشمندی است که « موجب تغییر در زندگی انسانها می شود و نگاه انسان را به این مظهر زیبایی ـ که در واقع طبیعت است ـ باز می کند."

انسان مومن اعتقاد واثق براین دارد که بهار بهترین فرصت برای ارتباط و پیوند معنوی با پروردگار عالمیان است. به همان نحوی که دراین فصل شکوهبار، طبیعت تولد می شود، مومن از صدق قلب از خداوند می طلبد تا دل ودیدهٔ او را نیز متحول فرماید و در جهت برترین نیکی ها هدایتش بنماید.

بنده گان مومن به این باور نیز هستند: تا دل از وجود بدی ها، کینه ها وپلیدی ها تکانده نشود، ساحت درونی خود را برای جضور حق مساعد نمی سازد.

هرگاه خواست واردهٔ انسان برای مقابله و معارضه با معاصی باشد و به قولی « به سمت اهورایی شدن در حرکت بیفتد»، آن روز از طبیعت وجود انسان نیز بهار گل می کند! بناءً بهار و برگشت سال (هجری - خورشیدی) « نماد اندیشهٔ اهورایی و حرکت از تاریکی به روشنایی است».

انسان خوب بهار گونه شدن و بهارانه عمل کردن را در فکر و دل و دماغ خویش نهادینده می سازد، تا هر لحظه یی از زندگی او، تحول آفرین باشد.

نغمهٔ ارغوان

شاد روان استاد خلیل الله خلیلی

صبح به کوهسار شو، جلوهٔ ارغوان نگر
در دل کوه جا به جا، آتش کاروان نگر
در دل لاله داغها، برلب وی ایاغها
برکف وی چراغ ها، مشعل باغبان نگر
جلوهٔ نوبهار بین، منظر کوهسار بین
گریهٔ آبشار بین، خندهٔ آسمان نگر
آب روان به جستجو، گه فرازو گه فرو
راز نهفته مو به مو، برلب وی عیان نگر
شاخ چو کهکشان شده، دختر بوستان شده
مست شده جوان شده، طوق گهرنشان نگر
از سرسنگ ها عقاب، چرخ زنان به پیچ وتاب
راه برد به آفتاب، آرزوی جوان نگر
خاک بنفشه بوشده، باد فرشته خو شده
مرغ لطیفه گو شده، شاعر بوستان نگر
بوچو به غنچه شد نهان، بادشد از پیش روان
آب به هر طرف دوان، بازی کودکان نگر
نرگس نیم خفته را، فتنه به چشم شوخ بین
سنبل نو رسیده را، تاب به گیسوان نگر
نیست پدید جز جلال، نیست به دیده جز جمال
خواه از این کنار بین، خواه از آن کران نگر
عقل زبون عشق کن، پرده فگن زچشم دل
جلوه زمان زمان ببین، حسن جهان جهان نگر

مناعت

جمشید شعله

گرسینه را مقابل تیروکمان کنم
لخت جگر نشانهٔ نوک سنان کنم
گردل هدف به ناوک تیرقفا نهم
گردیده را به زخم حوادث نشان کنم
گرتن به زیر زحمت باد بلا دهم
گرسر فدای تیغ جفای زمان کنم
از جور چرخ گرهمه زار و زبون شوم
وز زور دهرگر همه آه وفغان کنم
از دود آه و آتش سوزندهٔ جگر
گرسینه را نمونهٔ آتشفشان کنم
مسکین دل ستم زدهٔ غم نصیب را
خون سازم از دو دیدهٔ حسرت روان کنم
بندم زغصه آه گلو سوز را زغم
آتش به دست خویش در این نیستان کنم
سازم تمام عمر به غم های آسمان
کا هم همه تحمل بارگران کنم
گردون کند پیالهٔ زهر ار حواله ام
سقراط وار خنده و شان نوش جان کنم
باشد اگر که بند زبندم جدا شود
سرپست پیش هیچ خسی در جهان کنم
جمشید وار اره به فرقم اگر کشند
ای شعله کی خوش آمد اهل زمان کنم

بازی با اراده مردم و استفاده ابزاری از دین درانتخابات

سیدعنایت الله شاداب استاد دانشگاه کابل

آیا درکتاب های قواعد فقهی این قاعده را نخواندید که"ما ثبت بزمان یحکم ببقائه مالم یقم دلیل علی خلافه" یعنی آنچه در زمان گذشته ثابت شده باشد تا وقتی حکم به بقای آن می شود که دلیلی بر خلاف آن نباشد، چه خوب می بود از این قاعده تا وقتی استفاده می شد که درماده شصت، یکم قانون اساسی این فقره وجود نمی داشت که: "وظیفه رئیس جمهور در اول جوزای سال پنجم بعداز انتخابات پایان می یابد"

دراین اواخر که مشروعیت کاری آقای کرزی رو به پایان است، بازار نامزد شدن برای انتخاب ریاست جمهوری و احراز کرسی آن، به گونه بی سابقه گرم بوده و تلاش های گسترده از طرف گروه های سیاسی و مقام های عالی دولتی براه افتیده و هرکسی با استفاده محتوای ماده ۳۳ قانون اساسی که می گوید":اتباع افغانستان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارا می باشند" درجریان است.

یقیناً تجربه انتخاب شدن و انتخاب کردن برای احراز مقام ریاست جمهوری در کشورما تجربه نوی است که مردم دراین مرحله از تاریخ سیاسی خویش آن را به کار می بندند.

راه اندازی این تجربه درکشورهای اسلامی به ویژه درافغانستان که اینک برای بار سوم به صورت نمایشی در میان مردم شعار آن عنوان می شود، با چالش های گوناگونی روبروست. حاکمیت سلطه های سیاسی از دوران های دور به این سو چنان بر ذهن و روح و روان مردم ما سایه افگنده بود که تصور تغییر این ذهنیت هم مشکل به نظر می رسید.

اما خیزش های مردمی درچند دهه اخیر با انگیزه های آزادیخواهانه اسلامی ذهنت های قبلی را به چالش گرفت و مردم وارد مرحله جدیدی از زندگی سیاسی گردیدند، بر برتری های قومی و زبانی چلیپا کشیدند و خواستند به دور از سایه های شوم معیارهای تاریخ زده گذشته در مورد تعیین سرنوشت خویش تصمیم بگیرند. اما بازیگران سیاسی کشور به ویژه آن های که بر اریکه قدرت تکیه زده اند مجدانه تلاش می ورزند تصمیم واراده تعیین سرنوشت توسط خود آن ها را به بازی بگیرند و باشعارهای فریبنده مردم سالاری، استبداد وخود کامگی را درچهره جدید آن با به کار بستن لطائف الحیل بر مردم مسلط سازند و نگذارند مردم به گونه آزاد درانتخابات زعامت سیاسی آینده کشور خویش وارد کارزار انتخابات شوند.

با ترسیم چنین پیشینهٔ در تاریخ سیاسی کشور، مهمترین نکتهٔ که در انتخابات کنونی ریاست جمهوری آینده افغانستان، جلب توجه می کند، همانا نامزد شدن شخص آقای کرزی برای احراز دوباره کرسی ریاست جمهوری است.

آری! آقای کرزی حق دارد موافق به بند دوم فقره سوم ماده شصت و دوم قانون اساسی خود را برای بار دوم هم کاندید کند.

اما بقای نا مشروع آقای کرزی در کرسی ریاست جمهوری بعد از اول جوزای سال پنجم (فقره دوم ماده شصت ویکم) امریست پرسش برانگیز و قابل بحث.

فیصله ستره محکمه یا دادگاه عالی کشور با کدام مبنی قانون می تواند این"ابقا" را مشروعیت بخشد؟

چه ضمانتی وجود دارد که آقای کرزی فرشته گونه از کرسی و صلاحیت های ریاست جمهوری به نفع پیروزی خویش استفاده نمی کند؟

چه مصالح علیای کشور در حالت کنونی متجلی است که اگر آقای کرزی نباشد آن مصالح مواجه به خطر می شود؟

اگر آقای کرزی مدعی برقراری نظام در دوران کاری خود است ، در نبود وی نظام می تواند کارهای روتین و روزمره را پیش ببرد، چه فرق می کند که آقای کرزی با سبکدوش شدن از کارهای ریاست جمهوری، در پهلوی سایر نامزدان وارد کارزار انتخاباتی خود شود؟

چرا به خاطر نزاهت و شفاف بودن انتخابات جاری درکشور از طریق نمایندگان مردم نهادهای مدنی و شخصیت های مسموع الکلمه مردمی، شخصی طور موقت عهده دار کارهای ریاست نگردد و چه بهترخواهد بود که ریاست مشرانو جرگه مطابق به مفاد قانون اساسی عهده دار این وظیفه شود بدون شک طوری که می بینیم به گونهٔ آشکار و هویدا نمادهای از استفاده سو از همین حالا از موقف ریاست جمهوری در صدور فتواهای شورای علما که دیده می شود.

این فیصله های شوراهای علما که حکومت برای آن ها درمورد جلوگیری از فحشا، فساد اداری و سائر نا هنجاری های حاکم در کشور، به اندازه پرکاهی اهمیتی قایل نمی باشد. حالا توسط فیصله های دستوری این شوراها که بدور از فهم درست مصادر دینی، پرداخته می شود، مشروعیت بقای خویش را بعد از پایان مشروعیت دوره کاری خود، کسب می کند و این است استفاده ابزاری از دین که در همه کشورهای اسلامی ازجمله در افغانستان به نمایش در می آید. با گلایه فراوان از علمای دینی که به روی مجبوریت های اقتصادی درچهار چوب این شوراهای داخل شده اند دلسوزانه می گویم که این فتوا که بر بنیاد "استصحاب الحال" و یا ارجاع حکم حال به حکم دوران قبلی صادر نموده، چرا "کلوا واشربوا" بزبان آورده اید و"لاتسرفوا" فراموش کردید.

آیا درکتاب های قواعد فقهی این قاعده را نخواندید که"ما ثبت بزمان یحکم ببقائه مالم یقم دلیل علی خلافه" یعنی آنچه در زمان گذشته ثابت شده باشد تا وقتی حکم به بقای آن می شود که دلیلی بر خلاف آن نباشد، چه خوب می بود از این قاعده تا وقتی استفاده می شد که درماده شصت و یکم قانون اساسی این فقره وجود نمی داشت که: "وظیفه رئیس جمهور در اول جوزای سال پنجم بعداز انتخابات پایان می یابد"

وای کاش علمای محترم ما بجای استفاده نا موجه از این قاعده فقهی، درجهت مشروعیت دادن به بقای نامشروع بعد از پایان دوران مشروع کار رئیس جمهور، از اصل "سدذریعه" استفاده می کردند که با اصدار فتوا بر بنیاد این اصل، از یک طرف راه استفاده از قدرت ریاست جمهوری را در راستای تأمین منافع گروهی و... او می گرفتند و از طرف دیگر درمرحله حساس کنونی فهم دینی خویش را از قضایای جاری کشور متبلور می ساختند که درسی می بود از موضعگیری آنان در برابر قدرت های حاکم که با استفاده ابزاری از موقف دینی آن ها ابقای سلطه خویش مشروعیت می داده اند.

شهروندان افغانستان؛

از زندگی در فاضلاب تا مرگ در کانتینر

رامش زیباکی

نا امنی در افغانستان و شرایط دشوار کاریابی، این افراد را وادا می کند تا به ایران و پاکستان بروند. این درحالیست که سازمان ملل متحد و دولت افغانستان، طی سالهای اخیر تلاش کرده اند میلیون ها پناهجو را از کشورهای ایران و پاکستان بازگردانند. اما نبود کار و بی امنیتی باعث شده است که مردم افغانستان در صدد فرار از کشورشان برآیند



در این شکی نیست که نبود امنیت، فقر و مشکلات اقتصادی و نبود زمینه های اشتغال از دشواری های عمدهٔ نظام کنونی است که با گذشت هفت سال نتوانست این دشواری ها را مهار کند. این وضعیت برای بسیاری از افراد مخصوصاً قشر جوان و نوجوان کشور قابل تحمل نبوده تعداد زیادی از آنان برای پیدا کردن لقمه نان و یا کسب و کاری مجبور شدند تا به کشورهای همسایه، اروپایی و غیر اروپایی پناه ببرند.

سفر از راه های قاچاق و غیر قانونی یگانه گزینه فرا راه کسانی است که می خواهند به کشورهای همسایه نظیر ایران، روسیه و یا کشورهای اروپایی راه پیدا کنند. آنها به هدف رهایی از این بحران آمادهٔ پذیرش هر نوع خطر و مشقت هستند و چه بسا که تعداد زیادی از آنها در این مسیر تحقیر و توهین می شوند وحتا با خطرات جانی روبر برو شده و برخی از آنها به قتل می رسند. چنانچه هفتهٔ پیش پلیس پاکستان اجساد چهل وهفت نفر را از درون یک کانتینر سربسته در شهر کویته آن کشور دریافت کرد که می خواستند برای نجات از بیکاری به شکل غیرقانونی از طریق پاکستان، به ایران بروند.

گزارشها حاکیست که حدود چهل نفر دیگر نیز که در حالت بیهوشی قرار داشتند، از درون کانتینر بیرون کشیده شده و به بیمارستانها در شهر کویته پاکستان منتقل شده اند.

البته این تنها حادثهٔ دلخراشی نیست که در هفته گذشته واقع شد، بلکه همزمان با آن، روز یک شنبهٔ هفتهٔ گذشته رسانه ها گزارش دادند که پلیس ایتالیا ۲۴ کودک افغان را که در مجراهای فاضلاب در زیر ایستگاه راه آهن در روم زندگی می کرده اند، بیرون آورده است.

گزارش شده است که این کودکان افغان از ترکیه و یونان خود را به روم رسانده اند. به گفته پولیس ایتالیا این کودکان بین ده تا پانزده سال سن دارند و در حال حاضر توسط نهادهای اجتماعی در روم نگهداری می شوند.

گفته شده است که این افراد که به زبان ایتالیایی صحبت نمی کنند، شب ها برای نجات از سر ما در فاضلاب می خوابیدند.

تعداد زیادی از شهروندان افغان، عمدتا برای کاریابی به ایران می روند و بیشتر این افراد بدون داشتن ویزا و از راه های غیرقانونی تلاش می کنند وارد ایران شوند.

همچنان دیده می شود که همه روزه صدها متقاضی ویزا در برابر سفارت های ایران و پاکستان در کابل و قونسگری های آن کشور ها در ولایات صف می کشند. و روزها منتظر می مانند تا ویزه به دست آورند.

نا امنی در افغانستان و شرایط دشوار کاریابی، این افراد را وادا می کند تا به ایران و پاکستان بروند. این درحالیست که سازمان ملل متحد و دولت افغانستان، طی سالهای اخیر تلاش کرده اند میلیون ها پناهجو را از کشورهای ایران و پاکستان بازگردانند. اما نبود کار و بی امنیتی باعث شده است که مردم افغانستان در صدد فرار از کشورشان برآیند.



چهارمین دور گزارش دهی حکومت به ملت

گزارش دهی جاده یک طرفه نیست که فقط یک طرف سخن بگوید و طرف دیگر بشنود، بلکه مخاطبین که عبارت از مردم است باید سوال های جدی مطرح کنند و جواب های مشخص دریافت نمایند. در غیر آن کار گزارش دهی مسؤولان به کار مقاله خواندن تبدیل خواهد شد که دردی را دوا نخواهد کرد.

برخی از وزیران هیچ دست آوردی ندارند و نتوانستند کاری انجام دهند. اما آنها تا اکنون در پست های خود موجود اند وآب ازآب تکان نخورده است. آنچه که در کار گزارش دهی وزارت خانه ها و ریاست های مستقل قابل درک ولمس می باشد، اینست که درین گزارش دهی فقط به کار روتین و روزمره اشاره می شود.

در سال گذشته در صدر اولیت های حکومت تطبیق استراتژی انکشاف ملی قرار داشته است که برای وزارت خانه ها و ریاست های مستقل دولت وظیفه سپرده بود، تا در جهت تطبیق این استراتژی گام های بلند بردارند. و کشور های تمویل کننده، در کنفرانس های پاریس، لندن و دیگر کنفرانس ها در جهت تمویل این استراتژی تعهد سپرده بودند که در کار گزارش دهی ازین استراتژی انکشافی خبری به گوش نرسید.

چند روز قبل که کنفرانس هالند در مورد افغانستان برگزارشد کشور های تمویل کننده، نگرانی خود را از فساد گسترده در حکومت افغانستان اظهار داشتند. وجامعه جهانی به این باور رسیده است که کمک های آن ها به مردم افغانستان نتیجهٔ دلخواه نمی دهد، زیرا نمیتوان از دستگاه مریض و بی کفایت امید کارهای بزرگ داشت. بعد از کنفرانس پاریس که دولت افغانستان در جهت کاهش فساد اداری به جامعه جهانی تعهد سپرده بود، هیچ دست آورد محسوس ندارد.

مطالبات و خواسته های مردم و جامعه جهانی بالاتر از این تشریفات معمول دولتی است که یکی از معاونین ریاست جمهوری، سالی یکبار کار گزارش دهی را افتتاح نماید و از دست آوردها و کمبودیها سخن گوید ودوسیهٔ آن تا سال آینده بسته شود. دیگر افغانستان را نمی توان با نصحیت و توصیف اباد کرد و همه چیز را فدای مصالحه قومی و محلی کرد ونمی توان کشتی شکسته را با نسخه های بیرونی و با انسان های فاقد مسؤولیت و تعهد نجات داد امروز کسی که در برابر مردم و آینده افغانستان از خود تعهد مشخص ندارد. چگونه می توان اعتماد کرد و از آن ها گزارش خواست و به آن ها توصیه کرد. در حالی که شکست ها نا توانی ها و نا رسایی های حکومت نسبت به دست آوردهای آن بیشتر بوده است. به رنگ نمونه امنیت نسبت به سال های گذشته خراب تر شده است، زمینه اشتغال نه تنها ازدیاد نیافته بلکه کمتر شده است، دولت قادر نبوده است، تا زمینه کار را برای متقاضیان کار فراهم سازد. فقر، نبود رفاه اجتماعی، عدالت اجتماعی، بی کفایتی دستگاه قضایی و غیره از دشواری های است که دروازه های خانه هر شهروند را روزانه می کوبد.

در حالی که در کارگزارش دهی مسؤولان از کنار این دشواری ها به آرامی گذشتند و به امید پیروزی به این دشواری ها و به بهانه کمبود بودجه، نبود تخصص و بیکار گی دوسیه گزارش دهی خود را بستند و گفتند یا الله یا نصیب تا فردا دیده شود که چه می شود. در کار هر نوع گزارش دهی باید دست آوردها و کمبودها برجسته گردد و سطح مطالبات از مسؤولان مشخص گردد، راهبردهای جدید در کار مبارزه با عقب ماندگی و شکست نیز همراه گردد.

گزارش دهی جاده یک طرفه نیست که فقط یک طرف سخن بگوید و طرف دیگر بشنود، بلکه مخاطبین که عبارت از مردم است باید سوال های جدی مطرح کنند و جواب های مشخص دریافت نمایند. در غیر آن کار گزارش دهی مسؤولان به کار مقاله خواندن تبدیل خواهد شد که دردی را دوا نخواهد کرد.

پاکستان بیا د ناامنۍ او طالبانو تر ګواښ لاندې

او لکه چې په نړیوالو او سیمه ایزه رسنیو کې د هولبروک په هکله ویلي کیږي چې یو تجربه کار سفارتکار دی، نو غواړي چې سیمې ته په ډیر راتګ او د سیمې هېوادونو له چارواکو سره په بیا بیا لیدنو د سیمې چارواکو ته جوته کړي چې امریکا خپله نوې استراتیژي په بشپړ جدیت سره تعقیبوي او د امریکا لخوا د ورکړای کیدونکو مرستو په ځواب کې روښانه معلومات او همکاري غواړي

نه یوازې دا چې دغه تړون په خپل لاسلیک سره توشیح نه کړ، بلکې د سرحد د ایالتي حکومت او طالبانو ترمینځه دغه لاسلیک شوی تړون یې بابېزه وګڼلو او تر دې چې د یوې رسنۍ سره د مرکې په مهال یې وویل چې مونږ کوم نوی شی پر ځان ندی منلی او نه طالبانو ته کوم واک ورکړای شوی دی، بلکې دغه محاکم خو د څو لسیزو راهیسی په ملاکنډ ایجنسۍ کې موجود ؤ، چې ورسره سم د پاکستاني طالبانو یو مسؤول ادرس هم د پاکستان د حکومت لخوا د تړون مادوته په پاس لرنه د شک څرګندونه وکړه، چې له هغې وروسته که څه هم د سوات، ملاکنډ او کوهستان په سیمو کې څه موده امن ؤ او د دولت او طالبانو ترمینځه په هغه سیمو کې د پټ پټوني عملیات غلي شو خو د خیبر په ایجنسۍ کې به، په افغانستان کې مېشتو د ناټو او ایتلافي ځواکونو لپاره د نظامي او غذايي مرستو په رارسوونکو ټرکونو او لاریو بیا هم حملې کیدې. اوهم د دې ترڅنګه د پاکستان په ګڼو ښارونو کې ځیني داسې درنې چاودنې، حملې او یې ځانمرګي بریدونه وشول چې د تلفاتو شمېره یې په لسګونو وه: لکه د لاهور او پېښور په ښارونو کې دا پېښې څو ځلې تکرار شوې، چې یوازې په تېره اونۍ کې په پنځو ورځو کې پنځه درنې داسې پېښې وشوې چې په هره یوه کې یې نږدې د لسو په شاوخوا کې د مړو او ټپیانو تلفات لرل او ورسره سم په افغانستان کې دننه هم د طالبانو دا ډول حملې او ځانمرګي بریدونه ډیر شوي دي. خو د امریکا د نوي ولسمشر اوباما لخوا سیمې ته د نوې استراتیژۍ د اعلان او هم د ځانګړي استازي "ریچرد هولبروک" د ټاکنې سره د سیمې د دوارو هېوادونو چارواکو د امریکا ولسمشر لخوا د دغه دوارو انجام کړو کارونو تود هرکلی وکړ او هر یو هېواد دغه استراتیژۍ یو مثبت قدم او د خپل هېواد د ستونزو په هواري کې اغیزمنه پالیسي وګڼله، په داسې حال کې چې د نوې استراتیژۍ په اعلان هم دا دی دوه درې اونۍ تېرې شوې خو د ترهګرۍ! په عملیاتو کې کمی رانغی او لاهره ورځ په افغانستان کې دغه لړۍ دوام لري چې د هولبروک په خپله دنده باندې د ټاکل کېدو وروسته د نوموړي دا دوهم ځل ؤ چې د سیمې دوارو هېوادونو ته یې سفر وکړ. د هاګ په کنفرانس کې چې د افغانستان د ولسمشر او دپاکستان د بهرنیو چارو وزیر (شاه محمود قریشي) خپلو هېوادونو ته د ستنېدو سره سم چې کله "اوباما" لومړی د ترکي هېواد او بیا عراق ته سفر وکړ نو ورسره "هالبروک" د سیمې هېوادونو افغانستان او پاکستان ته سفر وکړ چې له افغانستان وروسته یې د پاکستان د سفر په مهال د هغه هېواد له چارواکو آصف علي زرداري او سید یوسف رضا ګیلاني سره تفصیلي لیدنې وکړي د نوموړو چارواکو او رسنیو سره د خبرو په مهال یې ځینې څرګندونې هم لرلې؛ هولبروک د خپلو څرګندونو په جریان کې په ګوته کړه چې د طالبانو له نیمایي نه زیات یې په افراطي عقایدو ولاړ ندي چې دا د امریکا په نوې استراتیژۍ کې حقیقت جوتوي چې داسې ښکاري؛ امریکا غواړي د طالبانو سره د سولې لار ونیسي او په دې ترتیب طالبان او په سیمه کې د بهرنیوځونو د شتون پرخلاف د روان مقاومت په صف کې درز پیدا کړي او یا په بل تعبیر مینځ لاري ځالبان له القاعده څخه جلا کړي.

هولبروک د خپلو څرګندونو په دوران کې د ناټو او امریکایي ځواکونو په خپله روانه جګړه کې د ناکامۍ یو لامل دا په ګوته کړ چې د طالبانو په هکله چې کوم معلومات مونږ ته په لاس راځي په هغو کې نوي په سلو کې د سیمې د دوارو هېوادونو، متعهدینو او دوستانو د معلوماتو په بنیاد دي چې همدغه ناسم معلومات د امریکا لخوا په جګړه کې د بریالیتوب په وړاندې خنډ ګڼل کیږي، چې په حقیقت کې د نوموړي دغه څرګندونې د سیمې په دوارو هېوادونو یوه نیوکه هم ده.

او لکه چې په نړیوالو او سیمه ایزه رسنیو کې د هولبروک په هکله ویلي کیږي چې یو تجربه کار سفارتکار دی، نو غواړي چې سیمې ته په ډیر راتګ او د سیمې هېوادونو له چارواکو سره په بیا بیا لیدنو د سیمې چارواکوته جوته کړي چې امریکا خپله نوې استراتیژي په بشپړ جدیت سره تعقیبوي او د امریکا لخوا د ورکړای کیدونکو مرستو په ځواب کې روښانه معلومات او همکاري غواړي.

پدې ورځو کې په داسې حال کې چې هولبروک لا د پاکستان په دوره ؤ په دغه هېواد کې په سوات کې د مېشتو طالبانو سره د پاکستان د حکومت لخوا یوه نوی بله جګړه د بونیر په سیمه کې وشوه چې تلفات یې هم د څه د پاسه لسو تنو په شاوخوا کې ؤ. د سوات او ملاکنډ د سیمو لپاره د طالبانو سره په شوي تړون باندې د شاوخوا دوه میاشتو مودې په تیریدو سره یو ځل بیا د سوات طالبانوخپل خوځښت پیل کړی. چې د چهارشنبې په ورځ له سوات څخه د ګوګند درې له غرونو څخه د بونیر ولسوالۍ ته کوز شو او هلته یې د سیمې واک په خپل لاس کې واخیست او د رسنیو له مخې یې پنځه تنه ووژل او هم له دې څخه دمخه د سوات په سیمه کې یوې انجلۍ ته د درو سزا ورکولو فلم په دې ورځو کې راپیدا کیدل -چې د ځینو د څرګندولو له مخې مخکې ډک شوی دی- دا هم په دې دلالت کوي چې د سوات طالبان په خپل کړي تړون ولاړ ندي خو د طالبانو د اوسنیو عملیاتو پړه یوازې په طالبانو نده، بلکې په افغانستان کې د پاکستان د پخواني سفیر رستم شاه مومند د یوې مرکې له مخې په حقیقت کې د هغوی، بیا خوځښت پړه د پاکستان په مرکزي دولت ده: ځکه چې آصف علي زرداري تر اوسه هغه تړون ندې لاسلیک کړی کوم چې د سرحد ایالت د حکومت لخوا د سوات د ځالبانو سره شوی ؤ، او د نوموړي د وینا له مخې که چیری د پکستان چارواکي د دغه تړون پاس ونلري او دا لړۍ داسې دوام پیدا کړي نو ښایي چې د پاکستان نورې سیمې هم لکه د بونیر د سیمې د مسیر سره مخ شي او د طالبانو برلاسې له یوې ورځې څخه بلې ته پراخه شي او هم نورو سیمو ته وغځیږي.

وضعیت ناگوار ترانسپورت درشهر کابل

وتا هنوز به پایه اکمال نرسیده، اما قسمت های از این جاده درحال خراب شدن است، کار سرک کارته پروان الی هوتل کانتینتال با طول حدود یک ونیم کیلو متر، دومین سال است که به حالت نیمه تمام رها شده است.

عدم اجرای قوانین ترافیکی مشکل دیگر شهروندان کابل است. بدون شک کابل یگانه پایتختی جهان است که در آن نظم ترافیکی دیده نمی شود. اشاره های ترافیکی فعال نیست، وسایط درمیان جاده توقف میکنند و راه بندان ایجاد می کنند، دربرخی از قسمت های شهر نصف جاده ها به کراچی ها، فروشنده های دستی انتقال کرده اند و یا به پارکینگ تبدیل شده است، رانندگی در شهرکابل ودیگر شهرهای افغانستان، به بازی بزکشی شباهت دارد که هر راننده کوشش میکند ازدیگران جلوتر برود وهیچ قانونی ترافیکی را درنظر نگیرد. با این حال در جاده ها ماموران ترافیک فراوان دیده میشوند، مخصوصا در هرچهارراهی گروهی از ماموران ترافیک قرار دارد، اما جز پول درآوردن و شکار کاری برای تطبیق قانون انجام نمی دهند.

جاده های کابل بسیار کم عرض و کوچک است، شاید این جاده ها برای یک میلیون انسان طراحی شده باشد، درحالی که اکنون بیش از چهار

بدون شک کابل یگانه پایتختی جهان است که در آن نظم ترافیکی دیده نمی شود. اشاره های ترافیکی فعال نیست، وسایط درمیان جاده توقف میکنند و راه بندان ایجاد می کنند، دربرخی از قسمت های شهر نصف جاده ها به کراچی ها، فروشنده های دستی انتقال کرده اند

میلیون نفر دراین شهر زندگی میکنند. دولت تلاش قابل ملاحظه برای توسعهٔ جاده ها انجام نداده است. برخی ازشهروندان گمان میکنند مشکل این است که شمار وسایط درشهرزیاد است، درحالی که شمار موترها ووسایط بسیار کمتر از نیازشهروندان می باشد،علت ازدحام وراه بندان ترافیکی این است که از یک سو جاده ها ناکافی و کم عرض می باشدو از سوی دیگر قوانین ترافیکی رعایت نمی شود، جمعیت کنونی شهر کابل حد اقل به سه چنِد وسایط و موترهای کنونی نیاز دارند.

تولید آلودگی هوا یکی دیگر از مشکلاتی است که توسط وسایل ترانسپورتی به میان می آید. اکثر وسایط وموترهای که در شهرفعالیت دارند، به علت فرسودگی، دود وکاربن زیاد تولید میکنند وهوا را آلوده می سازند، این آلودگی خطربزرگی برای صحت باشندگان این شهر به میان آورده است.

برای حل مشکل ترانسپورت وترافیک درشهرکابل اقدامات جدی وگسترده نیازاست. درگام نخست باید طرحی برای توسعه جاده ها روی دست گرفته شود، تقریبا تمام جاده ها نیاز به توسعه دارند.

همچنان شماری از جاده ها که تا هنوز اسفالت نشده است، باید اسفالت شوند، جهت حل راه بندان در در چهارراهی ها وتقاطع جاده ها ضرورت به پل های هوای می باشد. بدون تطبیق قوانین ترافیکی مشکل ترافیک حل نخواهد شد.

در بسیاری نقاط به علت عدم تطبیق قوانین، ظرفیت جاده ها تا نصف کاهش یافته است، طوری که نصف جاده ها به پارکینگ و یا محل خرید و فروش تبدیل شده است.

بدون حل مشکل ترانسپورت درکابل وضعیت زیست محیطی وآلودگی شهر کاهش نمی یابد.

شهروندان کابل چندان امیدی برای حل مشکل ترانسپورتی وترافیکی شهر ندارند. چون دولت مردان وزمامداران کنونی تا هنوز هیچ اقدامی اساسی درزمینهٔ نداشته اند.

فراز و فرودهای نخستین حزب سیاسی اسلامی در ترکیه

ع.م

حکومت ترکیهٔ نوین در نزدهم اکتوبر سال ۱۹۲۳ میلادی به وسیلهٔ مصطفی کمال اتاترک بنیانگذاری شد. اساس آن حکومت نه تنها بر مبنای جدایی دین از دولت وانمودگردید، بلکه تلاش به عمل آمد تا هرآنچه با مظاهر اسلامی مرتبط است، یک سره نابود گردد. همان بود که سرکوب گرایش ها و حرکت های دینی درترکیه، بسیاری از نهاد های سنتی دینی را تعطیل ساخت، اما نتوانست قادر به محو و ریشه کن کردن دین باوری مردم گردد.

قبل از روی کار آمدن نظام نوین اتاترک در سال یاد شده، امپراتوری عثمانی حاکم بود که توسط رجال دینی و شیخ ها اداره می شد.

دراوائل ایجاد حاکمیت اتاترک، هیچ گروه و یا حزبی که دارای گرایش اسلامی باشد- حق فعالیت نداشت. به این ترتیب تا سال ۱۹۵۰ میلادی تنها حزبی که به فعالیت می پرداخت، سازمانی بود وابسته به مؤسس جمهوری نوین آنکشور(مصطفی کمال اتاترک)!

در این زمان، اما تنها کاری که از سوی مسلمانان انجام می پذیرفت، فعالیت های زیرزمینی بود و آنهم نه به مفهوم براندازی نظام و یا راه اندازی کودتا، بلکه به منظور حفظ اساسات اعتقادی و پا برجایی باورهای دینی، که حدود نود و نه درصد مردم ترکیه به آن گرایش دارند.

زیرا! جنبش های اسلامی به هیچ وجه ارادهٔ کودتا علیه نظامی را بر سر نپرورانیده و یا در پی اعمال خشونت علیه دولت بر نیامده اند.

در سال ۱۹۵۶ میلادی فرصت آن مهیا گردید تا ترکیه دارای سیستم چند حزبی باشد. اما بازهم برای حرکت های اسلامی اجازهٔ فعالیت های قانونی به صورت عملی داده نشد، بلکه حرکت های یادشده این اجازه را توانستند پس از سال ۱۹۵۹ میلادی کسب کنند. همین بود که نخستین حزب اسلامگرای ترکیه در سال ۱۹۷۰ به نام حزب "نظام ملی" (milli groush) اعلام موجودیت کرد که رهبری آن را پروفیسور نجم الدین اربکان به عهده داشت.

از اوضاع آن روزگار برمی آید، آنچه زمینه را برای حصول جواز فعالیت به حزب موسوم به "نظام ملی" مهیا ساخت، تغییر شرایط و به عبارت دیگر احساس نیاز به حضورفزیکی گروه های رو به شتاب اسلامی بود.

موضوع از این قرار بود که وقتی احزاب دیگر در برابر حزب ملت(حزب مربوط به اتاترک) برای انتخابات سال ۱۹۵۰ به رقابت پرداختند. اهمیت رأی گروه های اسلامی برجسته ترشد. لذا هر یکی از گروه های لائیک در صدد شدند تا از آرای آنها برای سنگین ساختن کفهٔ آراء ورسیدن به مقاصد شان استفاده به عمل آورند.

گروه های اسلامگرا، حزب دموکراتیک ترکیه را نسبت به حزب ملت ترجیح و آرای خود را به نفع آن استعمال نمودند. در نتیجه حزب دموکرات در برابر حزب ملت به کامیابی دست یافت و بدین ترتیب برای نخستین بار اجازه فعالیت به حزبی که حاوی برنامه و اهداف اسلامی بود، داده شد و آن سال نقطه عطف برای حرکت های اسلامی درترکیه محسوب می شد.

حزبی که در آن روزگار درمیان جریان های اسلام گرا، رایتدار فعالیت های سیاسی روشنفکران دینی محسوب می گشت، از همه مهمتر و پرسرو صدا تر جریانی بود که رهبری آن را استاد نجم الدین اربکان از شخصیت های برجسته مسلمان به عهده داشت.

اسلام گرایان ترکیه با تاسیس(NSP) یا حزب نظام ملی، صاحب یک سازمان حزبی دایمی شدند؛ حزبی که از طریق آن می توانستند در مبارزات انتخاباتی شرکت ورزند.

تحولاتی که در دهه های ۱۹۷۰الی ۱۹۹۰ در ترکیه پدید آمد، زمینه را برای ورود اسلامگرایان به صحنهٔ سیاسی هموار تر کرد. ولی نظامیان ترکیه با مشاهده رشد رو به افزایش اسلامگرایان، در فکر آن شدند تا آخرین تلاش ها را برای تحکیم قدرت به کار بندند. لذا اولین کاری که کردند با همنوایی دادگاه قانون اساسی به تاریخ بیستم ماه می ۱۹۷۱ میلادی، به اتهام تخطی از اصول لائیک، اقدام به تعطیل NSP (حزب نظام ملی) نمودند.

با انحلال حزب متذکره آقای اربکان ناگزیرشد تا در سال (۱۹۷۲) به تاسیس حزب دیگری زیرنام نجات ملی (=سلامت ملی) – که نام مخفف آن در ترکیه (NSP) می باشد- اقدام ورزد.

با راه افتادن انتخابات در سال ۱۹۷۳ م (NSP) توانست ۱۱/۲ در صد از آرای مجلس را به دست آرد و این یکی از پیروزی های شگفت انگیزی بود که اسلام گراها به آن دست یافتند.

نجات ملی یا سلامت ملی از سال ۱۹۷۲ الی ۱۹۸۱ میلادی توانست در عرصهٔ سیاسی به فعالیت پردازد و با ائتلاف های مختلف با سایر احزاب، چندین بار به تشکیل دولت های ائتلافی مبادرت نماید.

اما حزب متذکره در سال ۱۹۸۱ میلادی به دنبال کودتایی که در ترکیه رخ داد، به سرنوشت حزب قبلی مواجه گردید و فعالیت های آن قانوناً ممنوع اعلان شد.

گفتنی است: طبق ماده (۶۸) قانون اساسی ترکیه، احزاب سیاسی آن کشور نمی توانند در جهت تغییر ویژه گی های اساسی دولت (سیکولاریزم- جمهوریت) فعالیت کنند. درغیراین صورت برای همیشه از فعالیت های آن ها جلوگیری به عمل می آمد.

منسوبین حزب سلامت درسال ۱۹۸۳ اقدام به تاسیس حزب دیگری به رهبری پروفیسور اربکان نمودند و نام آن را رفاه(=RP) گذاشتند.

رفاه در انتخابات سراسری ترکیه موفق به کسب آرای چشمگیری شد.

دراین دوره آنچه که توجه آقای اربکان را بیشتر جلب کرد این بود که نامبرده طی یک استراتژی مهم و اقدام به تربیت کدرها و شخصیت های نخبه توجه معطوف داشت. چیزی که برای حزب و سازمان موضوعی است نهایت حیاتی و سازنده.

دههٔ ۱۹۹۵ دورجدید به چالش کشیده شدن کمالیست ها به وسیله گروه های اسلامی محسوب می گردد.

دراین سال حزب رفاه موفق گردید تا استراتیژی فرهنگی اسلامی کردن را همراه با بسیج توده ها پیوند بزند.

یکی از عوامل گرایش مردم به حزب رفاه همانا توجه آن به مردم محسوب می شد که در خلال تحولات اقتصادی دهه ۸۰ عقب مانده بودند. لذا رفاه تلاش ورزید تا به مسایلی چون تامین عدالت اجتماعی، رفع بیکاری، زدایش فقر وگسترش امنیت ملی توجه بیشتری صورت بگیرد.

اهمیت این مساله از آنجا ناشی گردید که احزاب چپ گرا نسبت نداشتن همچو برنامه ها در سال ۱۹۸۰ به شکست مواجه گردیده بودند.

ادامه دارد

نگاهی به استراتژی جدید...

مجاهد: مشکلات عمده درسرراه تان چیست:

فهیم: مشکلات عمده نبود ظرفیت، فساد اداری ، عدم بودجه کافی برای تطبیق برنامه های صحی وخدمات اساسی ، بد امنی ها دربرخی ازولایات ازمشکلات اساسی برسرراه کاری منسوبان وزارت صحت عامه می باشد.

مجاهد: حداقل نیازمندی های صحی درپنج سال اخیر درچیست؟

فهیم: توجه به صحت مادر ، کودک ، کنترول امراض ساری کاهش سوء تغذی حاد ومضمن ورسیدگی به هموطنان معلول بخصوص معلول دماغی ما ازنیازمندی ها ی اساسی وزارت صحت عامه می باشد.

مجاهد: برای رسیدن به اهداف تعیین شده وزارت صحت درسال روان چه مقداربودجه درنظرگرفته اید؟

فهیم: پولی که به همین منظورپیش بینی شده درمجموع ۲, عشاریه چهارمیلیارد دالراست که امید واریم کشورهای کمک کننده این مبلغ را دردست رس ما قراربدهند.

مجاهد: شما ازمراکزصحی نام بردید مشخصاً درسال گذشته چند تعمیرشفاخانه وکلنیک را درمرکزوولایات آباد نمودید؟.

فهیم : سال گذشته ۷۰ ساختمان شفاخانه وکلنیک را درولایات مختلف به بهره برداری سپردیم وهنور ۱۲۰ ساختمان ما زیرکاراست که می توان ازشفاخانه های جمهوریت ، شیخ الزاهد ، وهاج و جناح نام برد.

مجاهد: چند پیش رسانه ها مدعی شدندکه وزارت صحت عامه درتداوی ومعالجه مرض بنام (تلسیمیا) یا کنسرخون توجه نکرده وازاین ناحیه مردم سخت به مشکلات مواجه اند نظرشما درمورد چگونه است؟

فهیم : بلی این مشکل کم خونی بوده وچاره آن تطبیق خون است واین مرض ناشی می شود ازازدواج های خانوادگی که به طورارثی ازوالدین به اطفال انتقال پیدامی کند، تداوی آن درکشورتاهنوز میسرنیست وحتی درکشورهای پیشرفته دنیا نیز به شکل آزمایشی کارهایی انجام یافته است. جزاین که متخصیصین جوان ما به کشورهای پیشرفته بروند ودربرگشت مصدرخدمت به هموطنان عزیزمان گردند.

مجاهد: بسیاری ازداکترصاحب ها را می شناسم که بعد ازفراغت شان بیکارند ودولت توان جذب آنهارا ندارد، درقسمت استخدام آنها وزرات صحت عامه چه برنامه های را دارد؟

فهیم: دروازه های وزارت صحت عامه درحد ظرفیت های موجود بروی همه بازاست، داکترصاحب ها می توانند ازطریق امتحان ورقابت آزاد استخدام شوند به خصوص درولایات امکان جذب شان بیشتراست.

هفته نامهٔ

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت میکنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم – سال هشتم – شمارهٔ سوم ۲۲ حمل ۱۳۸۸- ۱۵- ربیع الثانی ۱۴۳۰ - 11- April 2009

تظاهرات مردم

ولایت های بدخشان وسمنگان برضد والیان

هزاران تن از شهروندان فیض آباد مرکز ولایت بدخشان روز دوشنبه ۱۷ حمل با برگزاری تظاهرات گسترده یی منشی مجید والی بدخشان رابه بی کفایتی وکمپاین به نفع حکومت متهم کرده خواهان برکناری وی از مقام ولایت گردیدند.

مظاهره کنندگان خشمگین که جاده های عمومی شهررا بسته بودند باسردادن شعارهای مرگ به والی، مرگ به مسوولان بی کفایت، ازحکومت مرکزی خواستار برکناری منشی مجید والی آن ولایت گردیدند.

یکتن ازشرکت کنند گان بنام محمد قاریزاده گفته است منشی مجید بیش ازچهارسال درمقام ولایت بدخشان حاکمیت دارد با آنکه بدخشان ازنگاه امنیت، هیچ مشکلی ندارد اما والی بدخشان قصداً برای بدخشان کاری را انجام نداده است.

مظاهره کنندگان مدعی شده اند که منشی مجید با استفاده ازامکانات دولتی عملاً مصروف کمپاین انتخاباتی به نفع کرزی است.

بدخشان یکی ازدورافتاده ترین ولایاتی است که مردم دولت مرکزی را متهم می کنند که در بازسازی و عمران آن ولایت توجهی نکرده است.

منشی مجید والی بدخشان تقاضای تظاهرکنندگان را رد نموده گفته است ، آنها ازتمام مردم بدخشان نمایندگی نمی کنند.

درعین حال تظاهرات گسترده مردمی برای برکناری والی دربرخی ازولایات ازجمله ولایت سمنگان صورت گرفته است.

مردم ولایت سمنگان وغزنی که خواهان برکناری والی آن ولایت گردیده می باشند ازچند روز بدین سو همه روزه اقدام به انجام تظاهرات نموده اند.

انگلا مرکل از شمال افغانستان دیدار نمود

روزدوشنبه هفته گذشته انگلا مرکل صدراعظم آلمان ازچند ولایت شمال دیدار نمود. وی نخست درشهرکندز درپایگاه بازسازی ولایتی نظامیان آلمانی فرود آمد و با سربازان کشورش دیدارنمود، وی سپس به ولایت بدخشان رفت و از آن جا وارد شهرمزار گردید.

صدراعظم آلمان در این سفر با مقامات دولت افغانستان دیداری نداشت. اخیرا وی از قانون احوال شخصی شیعیان کشور اعلان نارضایتی کرد وحتی تهدید نمود در صورت تطبیق آن قانون، از حضورسربازان کشورش درافغانستان نمی تواند دفاع نماید. به دنبال این تهدید، حامدکرزی طی فرمانی حکم بازنگری قانون مذکور را صادرکرد.

آلمان حدود سه هزار و پنجصد سرباز درافغانستان دارد که در ولایات شمال مانندمزار، کندز وبدخشان مستقرمی باشند. و بیشتر در آموزش پولیس وتامین امنیت مشغول اند.

چهارمین دور گزارش دهی حکومت به ملت

عبدالعلی کوهی استاد دانشکدهٔ ادبیات

ظرف چهار سال اخیر بدینسو، نظر به توصیهٔ قانون اساسی افغانستان وزارت ها و ریاست های مستقل گزارش کار خویش را در ختم هر سال به پارلمان کشور ارائه میدارد.

انگیزه گزارشی دهی آن است که مردم از اجراآت، دست آورد ها و همچنان نارسایی ها و دشواریی وزارت خانه ها و ریاست ها مطلع می گردد. اما جریان این گزارش دهی به یک تشریفات همه ساله تبدیل شده است و نتیجهٔ عملی به دنبال ندارد؛ زیرا هیچ وزیر و رئیس در نتیجهٔ ناتوانایی هایش، از سوی پارلمان ورئیس جمهور مورد باز پرس قرار نگرفته است. طوریکه معلوم است **ادامه درص۶**

د حسین خیلو قومي شورا په کابل کې غونډه وکړه

د حمل دمیاشتې په شلم تاریخ دپنجشنبې په سهار دلویې جرګې ترخیمې لاندې د حسین خیلو د قوم شورا له خوا یوه ستره غونډه جوړه شوې وه. دې لویې غونډې ددوه زرو په شاوخواکې ګډون وال درلود، چې دهیواد له بیلابیلو سیمونه او هم په پاکستان کې د میشتو افغان کډوالو استازي ورته راغلي ؤ. ددې سترې غونډې ځانګړتیاوې په لاندې کرښوکې شمیرلی شو:

• په غونډه کې له پیل نه ترپایه پورې دتکبیر نعرې په ډیر شور اوزوږ سره پورته کیدې چې په نورو غونډوکې ډیر کم لیدل کیږي. دانعرې او اسلامي شعارونه داکثرو پرخه والو له خوا بد ګڼه کیدل چې دتحسین وړؤ.

• په غونډه کې دلاسونو پړقهار ځای نه درلود.

• یو استازې چې کله د ولسمشر د مودې غځول تایید کړل اوپر مخالفینو باندې یې نیوکه وکړه نو یو سپین ږیري په قهرجن آواز مخالفت وکړ ویې اوویل چې دا قومي غونډه ده له اشخاصو یا حکومت په ګټه باید ونه کارول شي! که څه هم په قطعنامه کې دا تایید راغلې و.

• په هغه شعارونو کې چې په دیوالونو ځړول شوي ؤ په دوؤ شعارونوکې "بیارغونه" لیکل شوی وه.

• پریکړه لیک له اوږدې مقدمې او په سرکې له یو انقلابي شعر سره ولوستل شو چې په شعر کې د بهرنیو پوځونو په کړنو زمریان یو او دوي زمریان نشي ساتلای!

• پریکړه لیک له مخکې نه ترتیب شوی ؤ اوبې له دې نه چې دګډونوالو تایید واخستل شي، په بیړه لوستل کیده!

• یومولوی صاحب په اختتامیه او دعاییه وینا کې وویل چې داقومي غونډه ده او د راتلونکو ټاکنو په پام کې نیولوسره باید دخلکو له دې اجتماع څخه ناوړه ګټه پورته نه شي اوخلک په ځانګړو کړیوخرڅ نشي.

داکترعبدالله فهیم سخنگوی وزارت صحت عامه درگفتگویی با مجاهد:

مهم ترین برنامه وزارت صحت عامه در سال جاری توسعه خدمات اساسی صحی است

هفتهٔ گذشته مصادف بود با روزجهانی صحت، این روزهمه سال ازسوی کشورها وسازمانهای صحی جهان تجلیل-می شود ومسوولان ازدست آوردها وچالش های موجود برسرراه ارائه خدمات صحی حرف می زنند.

به همین مناسبت هفته نامه مجاهد مصاحبه اختصاصی را باداکترعبدالله فهیم سخنگوی وزارت صحت عامه انجام داده است که فشرده آن را درزیرباهم می خوانیم.

مجاهد: جناب داکترصاحب ازبرنامه عمده وزارت صحت درسال ۱۳۸۸ بگوید؟

فهیم: درسال ۱۳۸۸ وزارت صحت عامه درچند عرصه برنامه دارد که عمده ترین آن دربخش خدمات اساسی صحی است که تا بتوانیم ۱۵٪ درصد ازمردم را که تا هنوز ازخدمات صحی بنابر دلایلی محروم اند زیرپوشش صحی قراربگیرند.

در قدم دوم ارائه خدمات باکیفیت ومبارزه با فساد اداری دراولویت کاری ما قراردارد.

مجاهد: وزارت صحت درسراسر کشورچند شفاخانه ومراکزصحی را تا به کنون فعال نموده است:

فهیم: وزارت صحت عامه درنظرداشت تا ۳۰۰ مرکزرا درسراسر افغانستان تا اواخرامسال فعال بسازد



که بنا به مشکلات ونبود بودجه تنها ۹۱ باب آن به بهره برداری سپرده شد واز۴۱۹ ساختمان که مورد ضرورت وزارت است ۳۱۰ آن درخانه های کرایی ومنازل غیراستندرد مصروف ارایه خدمات صحی می باشند.

مجاهد: درقسمت کنترل امراض چه کارهای را انجام داده اید؟

فهیم: درقسمت کنترل امراض به ویژه امراض ساری دست آوردهای زیادی داریم، که منابع بین المللی ازاین کارکردها تمجید کرده اند.

بطورمثال، مرض کشنده تبرکلوس را که سالانه جان ۲۰ هزارا هموطن ما را می گرفت با تأسیس ۱۰۳۱ مرکزتشخیص وتداوی، آمارتلفات انسان ها به ۵۰ درصد کاهش یافته است وسال گذشته تنها ۸۰۰ هزارنفردراثر این مرض هلاک شدند. همین طور درواقعات قی واسهال و پولیو ۹۳ فیصد کاهش به عمل آمده است.

درسال های پیشین ۲۰۰ هزارکودک ازبرنامه واکسین محروم بودند که درسال گذشته به ۱۰۰ هزارتنزیل یافت.

مجاهد: چه تعداد ازرضاکاران درتطبیق برنامه واکسین به شما همکاری می کنند؟

فهیم: کلاً همکاری مردم دراین عرصه چشمگیروقابل تمجید است که آماراین رقم به ۴۰ هزارتن می رسد. **ادامه درص۷**